



بررسی تطبیقی روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام با روش های عصر مدرن

روش های تربیتی روان شناسی نوین اغلب براساس تحولات طبیعی و جسمی کودک ارائه شده اند. این روش ها به طور خلاصه مواردی همچون شرطی سازی کلاسیک و عامل، الگوسازی، پاداش و انگیزش تشویقی، تقلید و بازی نمایشی را دربر دارد.

روش های تربیتی روان شناسی نوین اغلب براساس تحولات طبیعی و جسمی کودک ارائه شده اند. این روش ها به طور خلاصه مواردی همچون شرطی سازی کلاسیک و عامل، الگوسازی، پاداش و انگیزش تشویقی، تقلید و بازی نمایشی را دربر دارد.

چکیده

روش تربیتی به معنای فنون و شیوه هایی است که اهداف تربیت را به ثمر می رساند. روش های تربیتی فرزندپروری، فنونی در جهت پرورش و استحکام بخشی شخصیت کودک می باشد و در هر رویکرد، به واسطه اصول و مبانی متفاوت، اهداف، مراحل و فنون خاص خود را دارد. بر این اساس، روش های تربیتی عصر مدرن در موضوع فرزندپروری، که عمدتاً توسط نظریه پردازان غربی در قرون نوزدهم و بیستم در زمینه روان شناسی تربیتی و روان شناسی رشد مطرح شدند، با روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام که مبتنی بر اصول و مبانی دین اسلام و با اهداف مورد تأیید این شریعت می باشد، علی رغم وجود نقاط مشترک، تفاوت های اساسی دارد.

هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی و استخراج تفاوت های بنیادین روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری با روش های تربیتی عصر مدرن می باشد که به روش اسنادی، با شیوه تحلیلی - توصیفی انجام شده است. این دو گروه از شیوه های تربیتی، در اهداف، محورها و روش های تربیتی، تفاوت های بنیادینی دارند که به تفصیل در مقاله بیان شده است.

کلیدواژه ها: روش تربیتی، فرزندپروری، حضرت زهرا علیها السلام، روان شناسی.

مقدمه

انسان به عنوان گل سر سبد عالم خلقت و شگفت انگیزترین مخلوق خداوند، از چنان گوهر وجودی و حقیقی ملکوتی برخوردار است که با بارور نمودن آن، توانایی رسیدن به کمال، سعادت، فعلیت یافتن و در یک کلام، انسان شدن را دارد و پیمودن این مقصد، جز با تربیت حقیقی که البته از روش های مختلفی تبعیت می کند میسر نمی باشد.

تربیت فرزند یا فرزندپروری از مقولات مهم و پیچیده ای است که در طول قرن های متمادی موضوع تحقیقات و پژوهش های متعددی قرار گرفته است. حاصل این ممارست های علمی، نظریات بسیاری است که با مختصات و ویژگی های متمایز و بعضاً متناقضی در حوزه های مختلف فرزندپروری، اعم از مراحل رشد جسمانی، روانی، شناختی، اخلاقی، هوش، آموزش و... مطرح شده است. روان شناسی نوین عمدتاً در دو گرایش متفاوت با عناوین «روان شناسی تربیتی» و «روان شناسی رشد» به مباحث مرتبط با تربیت کودک پرداخته است. روان شناسی تربیتی در واقع، به معنای بهره از علم روان شناسی در فرایند تربیت انسان است. اما تربیت در این حوزه، گستره محدودی دارد و صرفاً در فعالیت های مرتبط با آموزش فرد در کلاس درس و مدرسه مورد استفاده قرار می گیرد. روان شناسی تربیتی، امروزه به عنوان تعلیم و تربیت تجربی و یا شاخه ای از روان شناسی کاربردی شناخته شده است و علمی است که به ماهیت و چگونگی یادگیری، روش های آموزشی، سنجش و ارزشیابی آموخته های یادگیرندگان می پردازد (کریمی، 1380، ص 4). می توان بیان کرد: این علم با به کارگیری معلومات حاصل از موضوعات و میدان های مورد مطالعه علوم دیگر، معلومات دیگری به وجود می آورد که در زمینه آموزش و مسائل آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر، روان شناسی رشد نیز علمی است که جریان تحولات و تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و عملکرد اجتماعی فرد را در طول عمر - از لحظه انعقاد نطفه تا هنگام مرگ - مطالعه می کند (جمعی از مؤلفان، 1388، ص 3) و علی رغم تلاش برای طرح روش های تربیتی، بیش از آنکه به ارائه روش ها و فنون تربیت و پرورش همه جانبه کودک بپردازد، هدف ثبت تحولات طبیعی حیات انسان را دنبال می کند.

تربیت در دیدگاه اسلام، به عنوان مبنای روش تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری که اسوه ای از یک مادر مسلمان و تربیت یافته در مکتب رسول الله صلی الله علیه و آله است، طرحی همه جانبه در راستای پرورش و استحکام بخشی شخصیت

انسان می باشد. یکی از روش های تربیتی در قرآن که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، روش اسوه نمایی به منظور الگوبرداری انسان ها از انسان های کامل و خودشکوفاست که علم روان شناسی نوین در مباحث روان شناسی کمال و موفقیت از آن تحت عنوان «الگوگیری از شخصت های سالم» بحث می کند. بنابراین، با بررسی روش های تربیتی حضرت زهرا علیهاالسلام در فرزندپروری، می توان به ویژگی های الگویی کامل در این موضوع دست یافت.

اهمیت و ضرورت بررسی تطبیقی روش های تربیتی حضرت زهرا علیهاالسلام و روش های تربیتی عصر مدرن را می توان در فهم تفاوت های این روش ها و بهره گیری از هر دو در بهبود و ارتقای روش های فرزندپروری برای ارائه به مادران مسلمان دغدغه مند دانست. این پژوهش، با بهره گیری از مطالعات صورت گرفته پیرامون روش های تربیت، با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، نگاهی نو به مسئله «روش های تربیتی کارآمد در فرزندپروری» (مرتبط با زمینه فرهنگی و دینی ما) دارد؛ زیرا علی رغم آنکه پژوهش های متعددی عمدتاً در قالب کتاب و مقاله در حوزه روان شناسی تربیتی مدرن و از سوی دیگر زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام صورت گرفته است و بخش مهمی از آنها در فهرست منابع این پژوهش مورد توجه قرار گرفته اند، رویکرد تطبیقی دیدگاه های اسلامی و مدرن به موضوع خاص روش های تربیتی با وجود اهمیت وافر این حوزه، تاکنون به طور خاص در هیچ پژوهشی مورد تدقیق و تحلیل قرار نگرفته است.

سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش عبارتند از:

– تفاوت های مفهوم تربیت در دیدگاه اسلام و نظریات روان شناسی چیست؟

– مهم ترین روش های تربیتی عصر مدرن در فرزندپروری کدامند؟

– مهم ترین روش های تربیتی حضرت زهرا علیهاالسلام در فرزندپروری کدامند؟

– تفاوت های بنیادین این دو گروه از روش های تربیتی کدامند؟

مفهوم شناسی

1. تربیت

الف) تعریف لغوی: تربیت در لغت، مصدر باب تفعیل و از ماده «ربو» و به معنای پروردن و پروراندن (دهخدا، 1377، ذیل واژه تربیت)، زیاد کردن، نمودادن، وسیله رشد را فراهم نمودن و پاک گردانیدن است (مصباح، 1383، ص 27).

معادل مفهوم تربیت در انگلیسی واژه «Education» است که از دو ریشه «Educare» به معنای تغذیه یا خوراک دادن و «Educere» به معنای بیرون کشیدن «فرهیختن» و رهنمودن به... و خلاصه پروردن است (میالاره، 1375، ص 1).

در عربی واژه «رب» از دو ماده «ر ب ب» و «ر ب و» مشتق شده. ماده «ربب» به معنای حضانت، اصلاح، سرپرستی، و سوق دادن شیء به سوی کمال، و ماده «ربو» به معنای زیاد شدن، تغذیه نمودن، و رشد و نمو کردن است (همت بناری، 1383، ص 57).

ب) تعریف اصطلاحی: تربیت در علم روان شناسی تربیتی که خاستگاه آن عمدتاً کشورهای غربی و اروپا می باشد، همان گونه که از معادل لغوی آن یعنی «Education» نمایان است، به مفهوم آموزش دروس آکادمیک و شیوه های تعلیم و تربیت رسمی است.

یکی از مشهورترین نظریه های معاصر درباره تربیت، از آن جان دیویی است. او می گوید: «تربیت فرایندی اصیل میان مربی و متربی، ناشی از ضرورت زندگی اجتماعی و مبتنی بر رغبت های درونی و فعلی دانش آموز و متربی به منظور بازسازی تجربه برای رشد دموکراسی است» (کاردان و دیگران، 1380، ص 261).

تربیت در اصطلاح روان شناسی نوین، به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می شود که هدف آن، هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی، هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد های آنهاست (سیف، 1387، ص 462).

به اذعان استاد مطهری، تربیت در دیدگاه اسلام عبارت از به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی هر شیء است (مطهری، 1375، ص 33). اسلام در تربیت چهره ای ممتاز دارد؛ زیرا برخلاف نظام های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی هستند، دارای زیربنای معنوی و جهان بینی خدایی است و جهان را از مرزهای تنگ ماده پرستی و طبیعت گرایی، و زندگی را از تنگنای بی سرانجام و پوچ از زادن تا مردن که انسان را هم خانه گیاه و جانور می سازد، فراتر می برد و به سوی خداوند می کشاند و توحید را به عنوان فلسفه جهان بینی و معاد را به عنوان فلسفه زندگی مطرح می کند (شریعتی، 1389، ص 98).

بنابراین، می توان گفت: تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای شکوفا شدن استعدادهای بالقوه انسان در جهت مطلوب. انسان در بدو تولد، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است؛ بُعد حیوانی که متضمن حفظ حیات اوست، به صورت بالفعل موجود است و بُعد انسانی او به مثابه بذرهایی است که در درون او پاشیده شده است و در صورت پرورش، تبدیل به ارزش های والای انسانی می شود. ازاین رو، در تربیت اسلامی، بشر از لحاظ ظاهری انسان است و از نظر روحی و شخصیت درونی، زمانی به مقام والای انسانیت خواهد رسید که ارزش ها را در درون خود رشد دهد و انسانیت را در درون خود به فعلیت برساند.

از مفاهیم مرتبط با تربیت در دیدگاه اسلام، تعلیم به معنای «کسی را چیزی آموختن»، و تهذیب یا تزکیه به معنای «پاک کردن و زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی» است (دهخدا، 1377، ذیل واژه). در دیدگاه متفکران غربی، هدف تربیت عمدتاً «سازگار کردن انسان با محیط» است (مایر، 1374، ص 13)، که به وضوح با هدف و مفهوم تربیت در اسلام متفاوت است. در دیدگاه اسلام، همنوایی با عرف و اجتماعی که با تعالیم انبیا و منصوص آیات الهی متعارض باشد، مورد تأیید نمی باشد؛ همان گونه که در سال های اولیه بعثت نبی خاتم صلی الله علیه و آله مبارزه با رسوم جاهلیت عرب از مهم ترین رسالت های آن حضرت بود. برای مثال، دین اسلام به همه اعضای جامعه دستور می دهد از برقراری ارتباط و دوستی و پیوندهای اجتماعی (عقود) با شارب الخمر بپرهیزند (روش قرنطینه سازی) (باقری، 1374، ص 15). هدف تربیت در دیدگاه اسلام، شکوفایی انسانیت بر مدار توحید و خداپرستی است؛ اما در دیدگاه روان شناسی، به دلیل تسلط انسان مداری و طبیعت گرایی بر آراء روان شناسان غربی، تربیت صرفاً با اهداف دنیوی و موفقیت های اجتماعی مفهوم می یابد.

2. روش تربیتی

«روش» به طور کلی عبارت از فنون، شیوه ها و رفتارهایی است که اهداف و اصول تعلیم و تربیت را به ثمر می رساند و به آنها عینیت می بخشد (رفیعی، 1391، ج 3، ص 267). روش، اسم مصدر از ریشه «راه» است. بنابراین، به نوعی راه و شیوه که قاعده مند و سنت شده و قابل پیروی باشد «روش» گفته می شود (دهخدا، 1377، ذیل واژه روش).

بنا به تعریفی، روش های تربیتی، شیوه هایی است که با استفاده از آنها فرد می تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی را از صفحه دل و روح خود یا دیگری بزداید (موسوی کاشمری، 1386، ص 15). بنابراین، به بیان ساده می توان گفت: روش های تربیتی، شیوه ها و رفتارهایی است که مربی برای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی، به کار می بندد و اگر به آن شیوه ها توجه شود، با آزمون و خطا، نقاط قوت و ضعف آن دیده و قابل سنجش می شود. در حقیقت، روش های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت اند و بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی، در گرو شیوه هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و به کار می بندد. تشویق، تنبیه، محبت و ملامت از جمله روش های تربیتی اند، اما کمیت و کیفیت به کارگیری آنها و در نظر گرفتن وضع متربی، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در اتخاذ روش های تربیتی، تنوع در روش به دلیل وجود تفاوت های فردی کودکان، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا یک روش در مورد یک انسان تربیت، و برای دیگری، ضد تربیت به ثمر می رساند. بنابراین، تناسب میان ویژگی ها و ظرفیت های فردی و نوع روش، در میزان تأثیر روش تربیتی مؤثر است.

از تعالیم و آموزه های اسلامی نمایان است که به طور کلی، می توان در تربیت، از دو دسته روش «اصلاحی» و «ایجاد» بهره گرفت. مراد از روش های اصلاحی روش هایی هستند که هدف از آنها، حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند، اعم از رفتار ظاهری یا اموری درونی همچون تفکرات ناصحیح و ناپسند، می باشد و مراد از روش های ایجاد، روش هایی است که در ایجاد یک رفتار تازه یا تداوم و تثبیت رفتارهای نیک و درست، به کار می آید.

گذری بر روش های تربیتی عصر مدرن و روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری

1. روش های تربیتی عصر مدرن

نخستین مطالعات تجربی درباره کودک که تحت عنوان «روان شناسی رشد» جای می گیرد، از قرن هفدهم آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. روش های تربیتی مطرح شده تاکنون از گستره وسیعی برخوردار است؛ نظریاتی که گاه متناقض اند و گاهی مکمل یکدیگر یا به موازات هم مطرح شده اند.

در قرن هفدهم، جان لاک معتقد بود: ذهن نوزاد همانند لوح سفیدی است که به واسطه محیط مساعدی رشد می کند و تنها با دخالت عوامل محیطی می تواند تجارب لازم برای حیات را به دست آورد. در مقابل، در قرن هجدهم، ژان ژاک روسو نوزاد را موجودی شریف و رام نشده نامید که دارای موهبت درونی تشخیص خیر و شر و نیز حس عدالت و اخلاق است و اگر دخالت نابجای محیط بر سر راه نوزاد انسان نباشد، به صورت طبیعی، تربیت می شود (جمعی از مؤلفان، 1388، ص 8 و 7).

برخی از روان شناسان مانند فریدریک فروبل (Friedrich Froeble) در قرن نوزدهم، با مقایسه کودک و حیوان، به گسترش نظریات تربیتی کودک پرداخته، شماری از جنبه های رشد کودک در هر دوره را بیان کردند. عمده ترین روش های جمع آوری اطلاعات در این مطالعات، مشاهده طبیعی، پرسش نامه و مصاحبه با والدین و آموزگاران کودکان بود (همان، ص 8). آغاز روان شناسی تربیتی را نیز باید در همین قرن بین سال های 1880 و 1900 دانست. در این دو دهه، تحقیقات تجربی در مورد خصوصیات انسان و قدرت های ذهنی او شروع گردید. این تحقیقات به سه دسته اندازه گیری، روان شناسی کودک و یادگیری تقسیم می شوند (مک دانلد، 1366، ص 10). اما بیشترین مطالعات و تحقیقات تجربی و علمی درباره رشد جسمانی و روانی کودک در قرن بیستم انجام شده است. ابداع آزمون های هوشی کودکان، طرح نظریات فروید، پایه گذاری مکتب رفتارگرایی به عنوان مکتبی که تمامی پاسخ های کودک را به محرک های محیطی وابسته می دانست و بسیاری از نظریات پرآوازه دیگر در عرصه روان شناسی کودک در این قرن مطرح شدند.

بسیاری از نظریات مرتبط با روان شناسی کودک به نوعی آسیب شناسی و بیان مراحل تحول رشد کودک بسنده نمودند و روشی که به تربیت و پرورش درست و همه جانبه استعدادهای بالقوه کودک بینجامد ارائه ندادند. گروهی دیگر، روش های تربیتی را بر مبنای مقایسه کودک و حیوان ارائه دادند که در دهه های مختلف و توسط نظریه پردازان متفاوتی به بوته آزمایش کشیده شدند؛ روش هایی همچون شرطی سازی کلاسیک و عامل، الگوسازی، پاداش و انگیزش تشویقی، تقلید، بازی نمایشی و... (جمعی از مؤلفان، 1384، ج 1، ص 435 و 458 و 460).

از مهم ترین ویژگی های مثبت و قابل توجه روش های تربیتی نوین، این است که این روش ها عمدتاً براساس آزمایش های متعدد و برخاسته از داده های طبیعی است و از این لحاظ در کمک به کنترل برخی از ویژگی های ثابت انسانی مانند ترس، خشم، نفرت و... می تواند کمک رسان باشند. اما این روش ها از چند جهت دارای ضعف جدی می باشند:

اول اینکه، هر روش زاییده ذهن و عمل انسانی است که به دلیل محدودیت های دنیوی و انسانی دارای نقص و خطاست. همان گونه که در عمل نیز، هر روشی که مطرح می گردد، به سرعت توسط نظریه پردازان دیگر به چالش کشیده می شود. این نقص می تواند نسلی از کودکان را که با روش های ارائه شده یک گروه دارای خطاهای بزرگ، تربیت می شوند با آسیب های جدی روبه رو کند.

دوم اینکه، روش های نظریه پردازان روان شناسی عمدتاً از آزمایش هایی بر روی حیوانات به ویژه میمون ها حاصل شده اند و به همین دلیل، با ویژگی های فطری و منحصر به انسان نامأنوسند و نمی توانند رشد همه جانبه فکری و معنوی انسان را تأمین کنند.

سوم اینکه، هر روش تربیتی براساس اهداف و ذهنیات مبدع آن طرح می شود و نمی تواند برای فرهنگ های متفاوت مناسب باشد.

چهارم اینکه، عمده ترین هدف روش های تربیتی عصر مدرن، سازگار کردن کودک با محیط و اجتماعش است و مفاهیم بلند حق گرایی و عدالت خواهی به ندرت مورد توجه و تأکید واقع می شود.

و در نهایت، مشکل جدی نظریه پردازی غربی در حوزه روان شناسی کودک، در مورد سهل انگاری و نادیده انگاری نسبت به نقش «مادر» و قابل جایگزین دانستن آن با هر فردی است که دستورالعمل های خاصی را نسبت به کودک انجام دهد. هرچند، برخی از نظریات معاصر بعد از چند قرن آزمون و خطا، به تأثیر بی بدیل و غیرقابل جایگزین مادر در رشد عاطفی، ذهنی و جسمی نوزاد تأکید دارند (جمعی از مؤلفان، 1388، ص 192).

2. روش های تربیتی حضرت زهرا علیهاالسلام

حضرت زهرا علیها السلام را می توان اسوه ای از یک مادر نمونه در دیدگاه اسلام دانست که در مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافته و در رفتار و گفتار و تقریر، تعالیم دین اسلام را به تمام و کمال به نمایش گذاشته است. بر همین اساس، در کنار ذکر مهم ترین روش های تربیتی دین اسلام، سیره حضرت زهرا علیها السلام در موضوع فرزندپروری، به عنوان نمونه عملی هر روش بیان می گردد.

براساس آیات و روایات اسلامی، می توان اذعان داشت: تربیت اسلامی عنوانی است برای نشان دادن طرح جامع و هدفمند اسلام در ساخت و پرداخت انسان؛ طرحی که در سایه آن، آدمی واقعیت انسانی خود را می یابد و از دیگر مخلوقات خداوندی مشخص و برتر می شود. در بیان اهمیت بسیار زیاد تربیت در دیدگاه اسلام، همین بس که مولا علی علیه السلام فرمودند: «بهترین ارثی که والدین می توانند برای فرزندان خود باقی بگذارند، تربیت صحیح است» (طبرسی، 1412ق، ص 233).

در طرح جامع دین اسلام در موضوع تربیت، توجه به تربیت فرزند از هنگام انتخاب همسر آغاز می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی درباره انتخاب همسر فرمودند: «از ازدواج با زن زیبایی که در محیط فاسدی رشد و پرورش یافته است، پرهیزید» (صدوق، 1377، ج 2، ص 251).

پس از آن، مدتی قبل از شکل گیری نطفه نوزاد، برنامه تربیتی وی ادامه می یابد. همان گونه که نطفه حضرت زهرا علیها السلام به دستور خداوند، پس از چهل روز عبادت و مناجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام بسته شد (انصاری، 1372، ص 31).

همچنین دوران بارداری و شیردهی مادر، از مهم ترین مراحل تربیتی انسان به شمار می آید. در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «فرزندانتان را از شیر زن بدکاره و دیوانه باز دارید؛ زیرا شیر واگیردار است» (ابن شعبه حرانی، 1376، ص 105). از همان لحظه تولد نیز که اذان در گوش نوزاد خوانده می شود، پیام آغاز زندگی در دنیای خاکی با ذکر «لا اله الا الله»، به کودک القا می گردد. تمامی این مراحل با هدف تربیت دینی صورت می گیرد و از اهمیت وافری برخوردار است.

در طول رشد کودک نیز تعالیم بسیار زیبا و کارآمدی در جهت تربیت صحیح وی در آیات و روایات ارائه شده است. برای مثال، یکی از مهم ترین و دقیق ترین تعالیمی که در این باره در سوره مبارکه «نور» (آیات 57 و 58) بدان اشاره شده است، در مورد لزوم اجازه گرفتن کودکان به هنگام ورود به محل استراحت پدر و مادرشان است. این تعالیم، برخلاف آراء روان شناسانی همچون فروید و پیروانش که بر بی پردگی و بروز جنسی در رشد کودک تأکید دارند، بر ایجاد حیا و عفت در طفل پای می فشارند. در تمامی سوره مبارکه «نور»، اهتمام اصلی آیات، بر ارائه راه کارهای کاهش و محو بدکاری ها و انحرافات جنسی در مورد فرد و جامعه است. در حقیقت، تأکید کلام وحی بر تربیت و آموزش کودک در مورد اجازه خواستن در هنگام ورود به محل استراحت پدر و مادر، نوعی پیشگیری از جرایم و انحرافات جنسی وی در بزرگسالی است. این تعالیم با هدف پاکی و طهارت فرد و جامعه پیوند دارد و به همین دلیل، نه تنها به هیچ شکلی، در آراء روان شناسان غربی مشاهده نمی شود، بلکه در مقابل، به طور جدی بر تمرین و آموزش ارتباط جنسی به فرد در دوران رشد وی از کودکی تا پیش از ازدواج تأکید می شود.

2-2. شاخصه های تربیت اسلامی

شاخصه های تربیت اسلامی را می توان به طور کلی در موارد ذیل خلاصه نمود:

1. تربیت اسلامی: جامعیت تربیت اسلامی از این نظر است که شامل جسم و روح، فرد و جمع، و دنیا و آخرت می شود و این ابعاد با رجوع به آیات و روایات قابل پیگیری است (احمدی، 1364، ص 40).

2. عبادت بودن تربیت اسلامی: در اسلام، آن قدم هایی را که انسان برای رشد و کمال خود و پرورش دیگران برمی دارد و در جهت رضای خداست، عبادت محسوب می شود. قرآن کریم، علت خلقت انسان را عبادت و پرستش می داند (ذاریات: 56) و این عبادت در تمامی اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان قابل تحقق است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «به این امر که فرد رکوع و سجود نمازش را طول می دهد نگاه نکنید؛ زیرا این، موردی است که به آن عادت کرده است و می ترسد ترک کند؛ بلکه به راستی گفتار و ادای امانت او نگاه کنید» (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 105). این حدیث، دلالت دارد بر اینکه عبادت باید در اعمال و رفتار اجتماعی فرد بروز کند.

3. تکیه داشتن تربیت اسلامی بر تزکیه و تعلیم: اسلام تزکیه نفس و آراستگی اخلاقی را مقدم بر تعلیم می شمارد (جمعه: 2).

4. محوریت اعتدال و انصاف در تربیت اسلامی: در رویکرد اسلامی به تربیت، مقوله «عدالت» به معنای تام آن مورد توجه قرار گرفته است. در یک معنا، سفارش به دوری از افراط و تفریط در رفتار نسبت به کودکان می شود و در مفهومی فراتر، رفتار هماهنگ و منصفانه در بذل محبت و توجه به طور مساوی بین فرزندان مورد تأکید واقع شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید دیگران در مورد شما به عدالت و محبت رفتار کنند» (نمازی، 1385، ج 2، ص 684) و نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بدترین پدران کسانی اند که نیکی به فرزندان، آنان را به ورطه افراط کشاند» (یعقوبی، بی تا، ج 2، ص 320).

در سیره حضرت زهرا علیها السلام نمونه هایی که نشانگر توجه و دقت ایشان نسبت به رفتار توأم با عدالت بین فرزندان است، نقل شده است. گفته شده است، روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام به درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله کشتی گرفتند. حضرت زهرا علیها السلام می گوید: من دیدم که پیامبر با جملاتی حسن را تشویق کرده، درصدد تقویت اوست. بدین خاطر به پدرم گفتم: «ای پدر بزرگوار! از شما تعجب می کنم که یکی را بر دیگری ترجیح می دهید، آن هم بزرگ تر را بر کوچک تر!» پیامبر فرمود: «دوستانم جبرئیل حسین را تشویق و تحریک می کند و من حسن را تشجیع می کنم.» ازاین رو، حضرت زهرا علیها السلام به عدم تبعیض بین کودکان اهتمام داشتند.

همچنین در نمونه ای دیگر، قضاوت عادلانه حضرت زهرا علیها السلام بین دو کودک خردسال خویش در مسابقه خطاطی بین امام حسن و امام حسین علیهما السلام مورد تأمل است. ایشان با در نظر گرفتن روحیه حساس و زودرنج کودکان، با ریختن دانه های گردن بند خود بر زمین و تشویق کودکان به جمع کردن آنها، قضاوت را به درستی به خود آنان واگذار کردند (مجلسی، 1403ق، ج 43، ص 309).

5. ارزشمندی و تأکید بر نقش مادری در تربیت اسلامی: از مهم ترین ویژگی های تربیتی دین اسلام که در سیره حضرت زهرا علیها السلام نیز دیده می شود، تأکید بر نقش مادر و انس و محبت وی نسبت به طفل در رشد و شکوفایی همه جانبه کودک است. در روایات بسیاری که در این نوشتار، فرصت پرداختن به آنها نیست، بر ارزش و اهمیت مادری در دیدگاه اسلام تأکید شده است. از سیره حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که ایشان نسبت به فرزندان خود محبت و عطوفت بسیاری نشان می دادند و با توجه به نیازهای طفل خویش عمل می کردند. نقل شده که «روزی بلال دیر به مسجد آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال فرمود: چرا دیر آمدی؟ عرض کرد: از کنار خانه فاطمه علیها السلام می گذشتم درحالی که با دست خود آسیاب می کرد و کودکش حسین علیه السلام گریه می کرد، به او عرض کردم: اگر اجازه می فرمایید من آسیاب می کنم و شما کودک را آرام کنید، یا من کودک را آرام کنم و شما آسیاب کنید. فرمود: من نسبت به فرزندم مهربان تر از تو هستم. من برای آن حضرت آسیاب کردم. پیامبر فرمودند: تو به فاطمه رحم کردی، خداوند تو را مشمول رحمتش فرماید» (مجلسی، 1403ق، ج 43، ص 280).

همچنین نقل شده که حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خود را به بازی و مسابقه تشویق می کرد و گاهی با آنان به بازی مشغول می شد و با حرکت ها و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان خود، آنان را از احساسات پاک مادری سیراب می نمود (نیلی پور، 1387، ص 178). ابراز محبت و ارتباط قوی مادر با طفل، یک نیاز حیاتی برای رشد کودک محسوب می شود. به اذعان تاریخ، در قرن سیزدهم میلادی سزار فریدریک دوم به والدین و نیز مادران رضاعی دستور داد که کودکان تحت مراقبت خویش را فقط غذا بدهند و شست و شو کنند، ولی حق هیچ گونه مهر ورزیدن و صحبت و بازی کردن با آنان را ندارند. او می خواست کودکان، زبان یاد نگیرند تا وقتی بزرگ شدند، هر دسته از آنان را با یک زبان آشنا کند. این کار او موجب شد که این کودکان به دلیل عدم ارتباط اجتماعی و عاطفی با مادر و در نتیجه، عدم رشد روانی، یکی پس از دیگری از بین بروند (جمعی از مؤلفان، 1388، ص 6).

مهم ترین روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در موضوع فرزندپروری

با رجوع به آموزه های اسلام و سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام، مهم ترین روش های تربیتی ایشان در موضوع فرزندپروری را می توان به قرار ذیل دانست:

1. روش الگودهی: الگو به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه و... می باشد (دهخدا، 1377، ذیل واژه الگو). در این روش، مربی می کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد. این روش، با عنایت به آیات قرآن کریم (ممتحنه: 4و6؛ احزاب: 21) که در آنها، دو تن از انبیای بزرگ الهی، یعنی حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله، «اسوه حسنه» (الگوهای نیک) معرفی شده اند، به خوبی قابل درک است. مهم ترین ویژگی های الگوی شایسته از دیدگاه اسلام را می توان مطابقت گفتار با عمل (صالحی، 1384، ص 41)، محبت و دلسوزی (توبه: 128)، صبر و استقامت (سجده: 24) و ایمان و تقوا دانست.

در سیره حضرت زهرا علیهاالسلام، این روش تربیتی کاملاً نمودار است. ایشان به اذعان احادیث متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام در عمل خود نسبت به رعایت آموزه های اسلامی بسیار دقیق و عامل بودند. هر عمل حضرت یک الگوی صحیح برای فرزندان ایشان به شمار می آید. از راست گویی و صداقت، که از مهم ترین ویژگی های یک انسان به شمار می روند، گرفته تا شهامت و صبر و استقامت. از آشناترین مواردی که از سیره حضرت زهرا علیهاالسلام در این باره نقل شده، مقدم دانستن همسایگان بر خود در دعاهای شبانه می باشد (مجلسی، 1403ق، ج 43، ص 82 و 90). هم اصل مناجات و ارتباط با خدا در شب و هم شیوه دعا کردن حضرت، الگویی صحیح و عملی برای فرزندان ایشان می باشد.

همچنین مقدم داشتن دیگران بر خود - که اصلی بسیار ارزشمند و انسانی در تعالیم دینی ماست - در سوره مبارکه «انسان» نسبت به خانواده حضرت زهرا علیهاالسلام ذکر شده است. در آیات ابتدایی این سوره، به داستان سه روز روزه داری این خانواده و اطعام فقیران با طعام خود اشاره شده است که اوج روحیه ایثار و استقامت این خانواده شریف را نمایان می سازد. چنین الگوسازی برای کودکان است که فرزندان هم چون امام حسن و امام حسین علیهماالسلام و زینب کبری علیهاالسلام را به جامعه بشریت تقدیم می کند که علاوه بر شکوفاسازی اصل انسانی گذشت و ایثار در کودک، روحیه انفاق گروهی را نیز در وی ایجاد می کند.

از دیگر ابعاد مهم روش الگودهی در سیره حضرت زهرا علیهاالسلام، التزام تام و تمام ایشان به اصل حیا، حجاب و عفاف است که به طور جدی برای منش فرزندان ایشان تأثیرگذار بوده است. از آشناترین موارد مطرح در این عرصه، حجاب گرفتن حضرت زهرا علیهاالسلام در مقابل مرد نابینا می باشد (همان، ص 91).

می توان موارد بسیاری را در حوزه روش الگودهی از سیره حضرت زهرا علیهاالسلام در عرصه های مختلف، عبادی، فردی، اجتماعی و خانوادگی ذکر کرد که در این مجال نمی گنجد و باید به طور کلی اذعان داشت که خودسازی فردی پدران و مادران از ارکان تربیتی دیدگاه اسلام به شمار می رود؛ زیرا کودکان به واسطه ویژگی های طبیعی شان همواره در حال سرمشق گیری از نزدیک ترین سرپرستان خود هستند که غالباً در درجه اول مادر و سپس پدر می باشد. ازاین رو، عمدتاً پدر و مادر رفتاری که از خود بروز می دهند را بعد از گذشت مدت زمانی، از فرزند خود مشاهده خواهند کرد و در طرح جامع اسلام در تربیت و سیره حضرت زهرا علیهاالسلام، این اصل بسیار مهم و بنیادین مورد اهتمام جدی واقع شده است.

2. روش موعظه حسنه: موعظه از شیوه هایی است که صریحاً در قرآن مجید به عنوان یکی از روش های دعوت به حق و از شیوه های تربیتی رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده است (نحل: 125؛ سبأ: 46). موعظه به معنای بازداشتن همراه با ترساندن آمده است: «الموعظه هو زجر مقترن بالتخويف» (راغب اصفهانی، 1412ق، ذیل واژه وعظ). علامه طباطبائی می فرماید: موعظه بیانی است که نفس شنونده را نرم و قلب او را به رقت می آورد (طباطبائی، 1997م، ج 12، ص 372). موعظه در آیات کریمه قرآن مقید به صفت «حسنه» شده است تا آن را از موعظه «سیئه» جدا سازد. موعظه حسنه با شرایطی واقع می شود که برای وعظ، واعظ مفید و کارآمد است. از شرایط موعظه کردن این است که باید از روی خیراندیشی، با زبان نرم، به دور از سرزنش و توبیخ و نصیحت های فردی، در خلوت و دور از جمع صورت گیرد (نحل: 90).

نقل شده است که فاطمه علیهاالسلام در هنگام بازی با فرزندش امام حسن علیه السلام وعظ هایی را در قالب شعر به ایشان تعلیم می دادند: «پسرم حسن! مانند پدرت باش؛ ریسمن ظلم را از حق برکن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است، و هیچ گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن» (انصاری، 1372، ص 89). این سخنان، علاوه بر آنکه به روش تربیتی موعظه اشاره دارد، عیان می سازد که موعظه به کودک باید با زبانی شیرین و کودکانه و در هنگام بازی باشد. همچنین، محتوای این کلام، بزرگ اندیشی حضرت زهرا علیهاالسلام در برخورد با طفل خود را نشان می دهد. ایشان فرزند خویش را از همان کودکی به ظلم ستیزی و حق گرایی دعوت می کند و انسانیت را در او شکوفا می سازد.

3. روش تمثیل، تشبیه و قصه گویی: این روش که در قرآن کریم به وفور مشاهده می شود (عنکبوت: 41 و 43؛ کهف: 45)، برای بیان مفاهیم و معانی بلند معنوی و عقلانی است که از سطح فهم عامه مردم بالاتر است. این روش، در تربیت کودک بسیار کارآمد و مناسب است.

همان گونه که در روایت پیشین اشاره شد، حضرت زهرا علیهاالسلام مفهوم والای ظلم ستیزی را به زبان شعر به کودک خود آموزش می دهند و به این شیوه، به درک آن توسط کودک کمک می کنند.

4. روش ایجاد عادات درست از کودکی: یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا علیهاالسلام بدان توجه و تأکید داشتند، ایجاد عادات صحیح در فرزند از همان دوران طفولیت است.

نقل شده که حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خویش را از کودکی به انجام عبادت و ارتباط با خداوند تشویق و عملاً نیز این عادت را در آنها ایجاد می کردند. ایشان در شب 23 ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می کردند و برای آن برنامه ریزی داشتند، به طوری که در طول روز به استراحت و خواب کافی طفل توجه داشتند تا در آن شب خاص، کودک از معنویت آن بهره مند شود و به عبادت و شب زنده داری عادت کند (ابن حیون، 1385، ج 1، ص 282).

5. روش محبت ورزی و ملاطفت با کودک: از ارکان تربیت صحیح کودک، ایجاد روابط توأم با احترام و محبت مابین طفل و والد است. در حقیقت، محبت ورزی یک روش مهم در تربیت است؛ زیرا از طریق گفتار و رفتار همراه با عطف می توان اولاً، بسیاری از مفاهیم مهم اجتماعی و فردی را به کودک تفهیم نمود و ثانیاً، زمینه مساعد برای تأثیر سایر روش های تربیتی را نیز از این طریق فراهم نمود و ثالثاً، موجب تحصیل رفتار محبت آمیز در خود کودک شد.

این روش که در سیره تربیتی تمامی معصومان علیهم السلام دیده می شود، در سیره قولی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سپس حضرت زهرا علیها السلام با فرزندان شان ریشه دارد. در روایاتی، ایجاد رابطه عاطفی حضرت زهرا علیها السلام با کودکان خویش از طریق بوسیدن، بوییدن و در آغوش کشیدن آنها نقل شده است (نیلی پور، 1387، ص 180-182). حتی ایشان در این زمینه، در وصیت خویش به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «بعد از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن؛ زیرا او با فرزندانم مهربان است» (مجلسی، 1403 ق، ج 43، ص 192).

بحث و نتیجه گیری

گفته شد: تربیت، برنامه ای سنجیده و هدفمند به منظور رشد و شکوفاسازی استعداد های بالقوه انسان است. تربیت در دو دیدگاه روان شناسی عصر مدرن و اسلام از نظر ویژگی ها، تعریف، هدف، محدوده، محورها و شاخصه های تربیت و نیز روش های تربیتی، تفاوت های بنیادینی دارند. در پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش، باید اذعان داشت:

1. تعریف تربیت در دو دیدگاه روان شناسی مدرن و اسلام به عنوان مبنای روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری متفاوتند؛ زیرا هریک از این دو دیدگاه، مبتنی بر نظام ارزشی و مبانی فکری متفاوتی هستند. مفهوم تربیت در روان شناسی عصر مدرن بیشتر به معنای آموزش آکادمیک و رسمی و نیز بررسی مراحل رشد جسمی و ذهنی کودکان است. اما تربیت در دیدگاه اسلام، با شکوفایی استعداد های فطری و انسانی فرد پیوند دارد.

2. اهداف و محدوده تربیت نیز به تبعیت از تعریف آن در این دو دیدگاه متفاوت است. در دیدگاه روان شناسان غربی، مهم ترین هدف از رشد و تربیت کودک، همنوای و سازگار ساختن وی با محیط پیرامون و عرف و اجتماعی است که در آن زندگی می کند. اما روش های تربیتی اسلام در راستای هدف خداپرستی و حق گرایی و بر حول محور هایی همچون اخلاق مداری، طهارت و شکوفایی انسانیت است. به همین دلیل، اگر عمل اشتباهی در جامعه به صورت عرف و عادت بود، دین اسلام به همراهی و همنوایی با آن تشویق نمی کند. همچنین مکتب تربیتی اسلام، همه ابعاد و ساحت های وجودی انسان را پوشش داده و برنامه و طرحی جامعی از هنگام انتخاب همسر، پیش از بارداری، دوران بارداری و شیردهی و سپس در روند رشد فرزند تا انتها ارائه می دهد. اما در تمامی این مراحل، اهداف اصلی تربیت اسلامی و محور های بنیادین نظام ارزشی اسلام مورد توجه می باشد. حال آنکه در روان شناسی عصر مدرن ساحت های معنوی وجود فرد برای تربیت تا به حال مورد نظر نبوده اند.

3. هر نظریه در روان شناسی مدرن بر مبنای تفکر یک فرد نشو و نما می یابد که در اندک زمانی توسط صاحب نظری دیگر و با مبانی فکری متفاوتی مورد چالش و نقد قرار می گیرد. این روند علی رغم آنکه برای پیشبرد اهداف علمی و بهبود نظریات مطرح شده بسیار کارآمد است، اما با مشکل بزرگی روبه روست و آن، آسیبی است که به نسل کودکان رشديافته با نظریه ای نادرست و نسنجیده وارد می شود. درحالی که در دیدگاه اسلام، به دلیل جهان شمول بودن فضایل انسانی، بسیاری از روش های تربیتی در هر دوره و زمانی و برای هر نوع فرهنگی قابل طرح می باشد.

4. روش های تربیتی روان شناسی نوین اغلب براساس تحولات طبیعی و جسمی کودک ارائه شده اند. این روش ها به طور خلاصه مواردی همچون شرطی سازی کلاسیک و عامل، الگوسازی، پاداش و انگیزش تشویقی، تقلید و بازی نمایشی را دربر دارد. برخی از این روش ها با روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام که عبارتند از الگودهی، موعظه حسنه، تمثیل، تشبیه و قصه گوئی و ایجاد عادات درست از کودکی، مشابه اند. اما کیفیات و جزئیات پیاده سازی این روش ها در این دو رویکرد متفاوتند. برای نمونه، در روش های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در روش الگودهی، الگویی که به کودک ارائه می شود ارزش های متفاوتی را نسبت به نظرات روان شناسی نوین باید در خود داشته باشد تا بتواند الگوی مناسبی برای کودک به شمار رود. تزکیه و تهذیب از پیش نیازهای اصلی یک الگو در دیدگاه اسلام است. همچنین در مورد نقش مادر در تربیت کودک در این دو

دیدگاه تفاوت های اساسی وجود دارد. مادر در روش تربیتی حضرت زهرا علیها السلام صرفاً یک پرستار خوب به شمار نمی رود و نقش غیرقابل جایگزینی در رشد و تربیت کودک دارد. اما در روان شناسی نوین، هر فردی که بتواند دستورالعمل خاصی را در مورد کودک اجرا کند، صلاحیت نگه داری از کودک را می یابد و اصراری بر حضور مادر در کنار طفل برای رشد همه جانبه وی وجود ندارد.

منابع

- ابن حیون، نعمان بن محمد (1385)، دعائم الاسلام، چ دوم، قم، مؤسسه آل البیت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1376)، تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، فرزانه روز.
- احمدی، سیداحمد (1364)، اصول و روش های تربیت در اسلام، تهران، جهاد دانشگاهی.
- انصاری، عذرا (1372)، جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام، چ شانزدهم، قم، بوستان کتاب.
- باقری، خسرو (1374)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه.
- جمعی از مؤلفان (1388)، روان شناسی رشد (1)، تهران، سمت.
- _____ (1384)، زمینه روان شناسی هیلگارد، تهران، رشد.
- دهخدا، علی اکبر (1377)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- رفیعی، بهروز (1391)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن، تهران، سمت.
- سیف، علی اکبر (1387)، روان شناسی پرورشی نوین، تهران، دوران.
- شریعتی، علی (1389)، مکتب تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، چاپخش.
- صالحی، محمد موسی (1384)، سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآنی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (1377)، معانی الاخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبائی، سید محمد حسین (1997م)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (1412ق)، مکارم الاخلاق، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- کاردان، علی محمد و همکاران (1380)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (1)، تهران، سمت.
- کریمی، یوسف (1380)، روان شناسی تربیتی، تهران، ارسباران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1407ق)، الکافی، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
- مایر، فردریک (1374)، تاریخ اندیشه های دینی، ترجمه علی اصغر فیاض، تهران، سمت.
- مجلسی، محمد باقر (1403ق)، بحار الانوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مصباح، محمدتقی (1383)، جامی از زلال کوثر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.

مطهری، مرتضی (1375)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، صدرا.

مک دانلد، فردریک (1366)، روان شناسی تربیتی، ترجمه زهره سرمد، تهران، دانشگاه تهران.

موسوی کاشمری، سید مهدی (1386)، روش های تربیت، قم، بوستان کتاب.

میالاره، گاستون (1375)، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

نیلی پور، مهدی (1387)، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگی رزمندگان اصفهان.

همت بناری، علی (1383)، تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.

مجید زارعی: دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

راحله کاردوانی: دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس.

معرفت - سال بیست و دوم - شماره 192